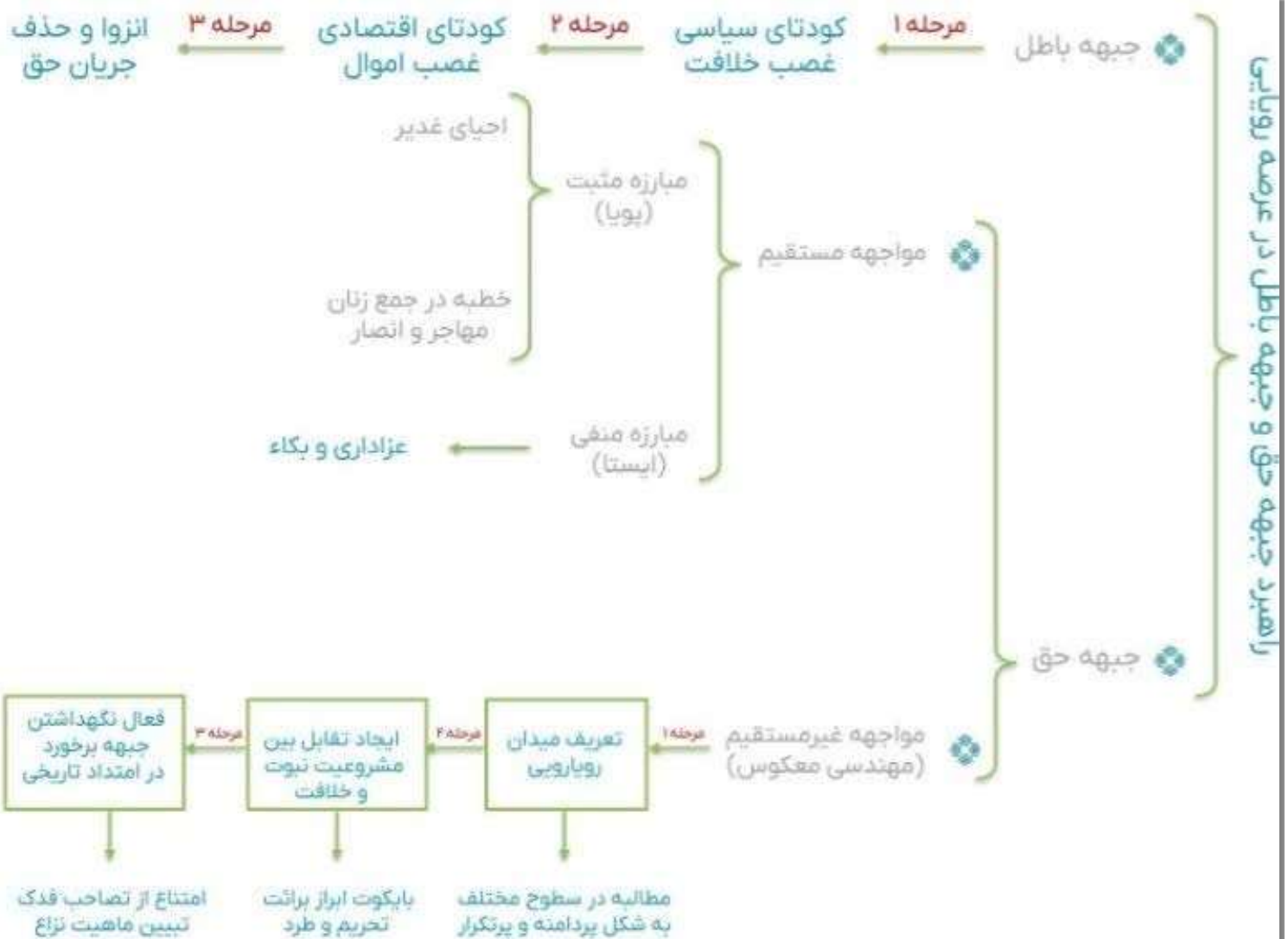


بسم الله الرحمن الرحيم

شرح خطبه فدکیه - جلسه بیست و ششم

جانمایی مسئله فدک و سایر حقوق و خطبه فدکیه در صحنه جبهه حق و باطل



حضرت زهرا سلام الله علیها برای مقابله با جبهه باطل دو مواجهه مستقیم و غیر مستقیم در پیش گرفتند، در مواجهه غیر مستقیم اهدافی را که قرار بود آن‌ها از کودتای سیاسی به آن دست پیدا کنند را مد نظر قرار دادند؛ هدف اصلی آن‌ها از کودتای سیاسی انزوای جبهه حق و غصب خلافت بود. حضرت ابتدا با انواع برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌ها جبهه حق را فعال نگه داشتند، در مرحله بعد در مقابل کودتای اقتصادی و غصب اموال ایستادند؛ پس فدک یک میدان تقابل با دشمن است، از همین پایگاه برای مرحله بعد که مشروعیت امامت و نبوت است، استفاده کردند و از مسئله غصب خلافت به منشأ آن یعنی غصب خلافت می‌رسند. دستگاه حاکم ادعا داشت که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسئله خلافت را به مردم واگذار کرده است و می‌خواستند با این کار مشروعیت خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برسانند، در جبهه مقابل حضرت زهرا سلام الله علیها قرار داشتند که شاخص جبهه حق و باطل بودند و نقطه اصلی تقابل حضرت این جا بود که دستگاه خلافت را به محاکمه کشید. حضرت زهرا سلام الله علیها با ایجاد تقابل و رساندن آن به اوج نشان دادند که وقتی چنین شخصیتی در مقابل جبهه آن‌ها قرار گرفته؛ پس آن جبهه باطل است. میدان، فدک است؛ ولی محصول آن باطل بودن و نابودی خلافت است. دستگاه خلافت مقاومت کرد و حضرت با استفاده از چند نوع کنش رفتاری اعلام کردند که آن‌ها مشروعیت ندارند. اگر زهرای مرضیه سلام الله علیها با چنین شخصیتی مشروعیت دارند، پس مسلماً آن‌ها مشروعیت ندارند، در این صورت تضاد ایجاد می‌شود. این مواجهه خود را به صورت‌های مختلف نشان دادند:

۱. بایکوت: در گزارشی آمده: وقتی ابوبکر از واگذاری فدک امتناع کرد حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: «به خدا من دیگر با تو حرف نمی‌زنم.» یعنی شما دیگر از نظر من هیچ ارزش و اعتباری ندارید. در بخاری و دیگر منابع آمده که حضرت تا هنگام رحلت با او حرف نزدند.

۲. براءت: دومین فعالیت برای اعلام تضاد و تقابل اعلام براءت بود. در همان گزارش آمده فرمودند: «من تو را نفرین خواهم کرد.» در کتاب طرائف آمده: شخصی خدمت امام رضا علیه السلام رسید و نظر ایشان را در مورد ابوبکر پرسید، فضا تقیه بود و حضرت ابتدا تسبیحات گفتند؛ یعنی فرمودند: «این مسئله را رها کن.» آن شخص اصرار کرد، سپس حضرت با یک بیان کنایی فرمودند: «مادر صالحه‌ای داشتیم که بر آن‌ها خشمگین بودند و بعد از وفات ایشان خبری نقل نشده که تا الان که حدود دو قرن گذشته خبری نقل نشده که از آن‌ها راضی شده باشد.» این همان ابراز براءت است. در کافی جلد ۸ آمده: وقتی می‌خواستند حضرت علی علیه السلام را برای گرفتن بیعت به مسجد ببرند، حضرت فاطمه سلام الله علیها بیرون آمدند و لباس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بر سرشان گذاشتند و دست حسنین علیهما السلام را گرفتند و فرمودند: «چه چیزی از ما می‌خواهی ای ابوبکر؟ تو می‌خواهی بچه‌های من را یتیم کنی و من را بی سرپرست کنی؟ به خدا قسم اگر دون شأن من نبود موهای خود را پریشان می‌کردم و به درگاه خداوند ناله می‌کردم.» یک نفر در آنجا خطاب به ابوبکر فریاد زد: چه قصدی داری می‌خواهی عذاب نازل شود؟ در آن هنگام امام را رها کردند و حضرت زهرا سلام الله علیها دست ایشان را گرفتند و به سمت خود کشاندند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر مادرم نفرین کرده بودند، همه آن‌ها به هلاکت می‌رسیدند.»

۳. وجه سوم و جلوه دیگر تقابل، وقتی زنان مهاجر و انصار برای عیادت حضرت می‌خواستند بیایند حضرت علی علیه السلام از ایشان اذن گرفتند، حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: «علی جان! خانه، خانه توست و من کنیز توام.» حضرت زهرا سلام الله علیها به زنان فرمودند: «آیا شما اقرار می‌کنید که رضای من رضای خدا و غضب من غضب خداست؟» آن‌ها تایید کردند، سپس حضرت فرمودند: «پس من راضی نیستم و راضی نخواهم شد.» و آن‌ها را از نزد خود راندند، سپس وصیت کردند: «مرا شبانه غسل

دهید و شبانه دفن کنید، کسانی که در این جنایت‌ها دخیل بودند را با خبر نکنید که بر جنازه من حاضر نباشد و بر من نماز نخوانند.» مسئله اختفای قبر ایشان یک سند مهم تاریخی است بر باطل بودن آن‌ها که نتوانستند این مسئله را مثل مسئله غدیر خاموش کنند. عده‌ای از شیعیان خارجی خدمت امام خمینی رحمه الله علیه رسیدند و ادعا کردند شیعه هستند و می‌خواهند محلی را به صورت نمادین به عنوان قبر حضرت زهرا سلام الله علیها مشخص کنند که شیعیان به آن جا مراجعه کنند و عربستان نیز موافقت کرده. حضرت امام آن‌ها را نزد آیت الله گلپایگانی ارجاع دادند، وقتی خدمت ایشان رسیدند، فرمودند: «اگر من جانم برود مقاومت می‌کنم و جلوی چنین کاری را می‌گیرم.» آن‌ها تعجب کردند و ایشان در پاسخ فرمودند: «این محل نمادین کم‌کم کاری می‌کند که می‌گویند: همین جا قبر حضرت فاطمه سلام الله علیها است و بعد می‌گویند: تمام حرف‌هایی که شیعیان در منابع مختلف زده‌اند دروغ است و مخفی بودن قبر حضرت زهرا سلام الله علیها از بزرگترین سندهای حقانیت شیعه است.»

۴. طرد: در آن جلسه ملاقاتی که مردان مهاجر و انصار پس از جلسه زنان خود برای عذرخواهی خدمت حضرت رسیده بودند، حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: «این عذر بدتر از گناه است.» و آخرین جمله‌ای که فرمودند این بود که دنبال کار خود بروید؛ یعنی جماعت را طرد کردم. در کتاب معالم المدرستین آمده ما دو مدرسه داریم اسلام واقعی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آوردند و یک اسلام انحرافی.

مرحله بعد فعال نگه داشتن جبهه حق در مقاطع تاریخی است، تا زمان حیات حضرت زهرا سلام الله علیها خود ایشان این جبهه را فعال نگه داشتند و بعد از شهادت ایشان از امیرالمومنین علیه السلام تا ائمه بعدی این جبهه را فعال نگه داشتند. فدک به عنوان یک نماد و سمبل سیاسی در میان اجتماع شناخته شده بود و بنیان گذار آن حضرت زهرا سلام الله علیها بودند. خلفای بعدی به نسبت رویکردی که با مسئله فدک داشتند، برخورد آن

ها با ائمه علیهم السلام نیز متفاوت بود، از زمان ابوبکر تا عثمان بیان می‌کردند که فدک اموال عمومی است و همان کاری که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با اموال عمومی انجام می‌دادند من هم با آن انجام می‌دهم. عثمان فدک را به داماد خود مروان حکم بخشید، بعد از آن معاویه آن را بین سه نفر تقسیم کرد؛ بین مروان و پسر عثمان و پسر خودش. اگر ادعا کردید این اموال عمومی است، پس برای این کار چه توجیهی دارید؟ کار به جایی رسید که دستگاه خلافت آن قدر توجیهات مختلف آوردند که آخر اهل سنت می‌گویند: ولایت امر در جامعه هر فسق و فجوری انجام دهد ما باید مطیع باشیم. همان طور که ابن کثیر واقعه حره را توجیه می‌کند و آن را حق می‌داند. در زمان عمر بن عبدالعزیز که حسن فعل داشت، مثلاً سبّ امیرالمومنین علیه السلام را برداشت، او به حاکم مدینه دستور داد فدک را به فرزندان حضرت زهرا سلام الله علیها برگردانند، بعد از او یزید دوباره فدک را غصب کرد. در حالی که در زمان‌های بعدی آن قدر اموال زیادی داشتند که فدک در مقابل آن ناچیز بود؛ ولی غصب آن اهداف سیاسی داشت. در ادامه سفاح در ابتدای بنی عباس فدک را برگرداند و می‌خواست با این کار نشان دهد طرفدار اهل بیت است و فدک را دستمایه اعمال سیاسی خود کرده بودند. در ادامه خلفای بعدی اگر می‌خواستند حمایت خود را از اهل بیت علیهم السلام نشان دهند آن را برمی‌گرداندند و اگر می‌خواستند مخالفت خود را نشان دهند آن را غصب می‌کردند. در کتاب طرائف نامه مامون به فرماندار مدینه آمده که نوشته بود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فدک را به دختر خود بخشیدند که این مسئله بسیار واضح است سپس همواره حضرت فاطمه سلام الله علیها مدعی آن بوده اند، وقتی حضرت فاطمه سلام الله علیها ادعا می‌کند قول او از همه شایسته‌تر به تصدیق است. حضرت فاطمه سلام الله علیها کاری کردند که ۲۰ سال بعد مامون به دعوی بین ایشان و خلیفه اشاره می‌کند و حق را به حضرت فاطمه سلام الله علیها می‌دهد و سپس فدک را به فرزندان حضرت زهرا سلام الله علیها و ورثان ایشان برمی‌گرداند. در این جا دعبل خزاعی این شعر را گفت: چهره

زمان شادمان شد جایی که مامون به بنی هاشم فدک را برگرداند. متوکل بعد از مامون دوباره فدک را غصب کرد، منتصر پسر او دوباره برگرداند، قبل از غصب فدک توسط متوکل گزارش شده که خرمای فدک را در مناسب مراسم حج می‌آوردند و به قیمت گزاف می‌فروختند و مردم از آن می‌خریدند و آن را متبرک می‌دانستند، یعنی واضح است آن کشمکش تاریخی در ذهن مردم زنده است. اهل بیت علیهم السلام برای فعال ماندن جبهه معارضه دو کار انجام دادند:

۱. هیچ یک از ائمه بعدی فدک را تحویل نگرفتند و اگر برگرداندند تحویل یکی از فرزندان حضرت و یا وراثت قرار دادند. حضرت علی علیه السلام در نامه به عثمان بن نمیر نوشتند: «در زیر آسمان، فقط فدک متعلق به ما بود که مردم به آن بخل ورزیدند و خودشان و مردمی، سخاوتمندانه از آن چشم پوشیدند و بهترین داور خداست.» سپس فرمودند: «مرا با فدک و غیر فدک چه کار در حالی که فردا در حالی که فردا جایگاه آدمی گور است!» یعنی حضرت می‌فرمایند: مسئله مالی برای ما اهمیتی نداشت و بحث حق الله بوده است. مرحوم صدوق در علل الشرایع جلد ۱ می‌فرمایند: سوال شده چرا حضرت علی علیه السلام در زمان خلافت خود فدک را در دست نگرفتند؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «حق ما اهل بیت را به جز خدا کسی نمی‌گیرد. ما اولیای این امت و پدر امت هستیم، برای خودمان تلاشی نمی‌کنیم از قدرت و حاکمیت خود برای استیفای حق الله و حق بشریت استفاده می‌کنیم.» هدف، گرفتن حق شخصی نبود؛ بلکه جریان منازعه برای مشخص شدن جریان باطل بود.

۲. جهت دوم فعالیت ائمه علیهم السلام برای حفظ فعال بودن جبهه حق این بود که تلاش کردند ماهیت و حقیقت این نزاع مشخص شود؛ فدک کلید واژه است، در مناقب جلد ۳ و همچنین در منابع دیگری آمده: هارون الرشید به امام کاظم علیه السلام نقل کرد: «می‌خواهم فدک را به شما برگردانم.» حضرت قبول نکردند، هارون اصرار کرد و امام

فرمودند: «اگر بگیرم باید با کل حد و مرز آن بگیرم نه بخشی از آن را.» هارون گفت: «حدود شما چیست؟ حدود که مشخص است، آیا حد دیگری دارد؟» حضرت فرمودند: «بله، - سپس فرمودند: - اگر بگیریم، شما فدک را به من برنمی گردانید.» هارون گفت: «به جدت قسم می خورم که این کار را انجام می دهم.» حضرت فرمودند: «حد و حدود آن را می گویم، حد اول آن عدن است در منطقه حجاز.» عدن منطقه یمن امروزی. تا حضرت این را بیان فرمودند، رنگ هارون الرشید تغییر کرد و گفت: «خب باز هم بگویند!» امام فرمودند: «حد دوم سمرقند.» کاملاً رنگ و روی هارون الرشید برگشت. سپس امام فرمودند: «سوم آفریقا است.» دقیقاً مرزهای حکومت اسلامی را بیان می کردند. رنگ هارون سیاه شد و گفت: «دیگر آقا باز هم بفرمایید!» حضرت فرمودند: «سمت غربی خزر و ارمنستان.» هارون گفت: «آقا چیزی برای ما باقی نماند! این که تمام خلافت شد.» حضرت فرمودند: «به تو گفتم اگر حد آن را بگیریم برنمی گردانی.» و معلوم شد که خلافت آن ها غصبی است و متعلق به اهل بیت علیهم السلام است. فدک یک محل مشخص نیست؛ بلکه محل نصب غصب خلافت است و نقطه اوج راهبرد حضرت زهرا سلام الله علیها برای تبیین تقابل و ایجاد بحران مشروعیت برای دستگاه خلافت خطبه فدکیه است. فدک نقطه اصلی و خطبه فدکیه نقطه نهایی آن است، یک محاکمه اساسی است و یک سند یک جا و کامل است و پراکندگی ندارد. محاکمه بزرگ نه فقط برای جماعت آن روز بلکه برای کل بشریت عرضه شده، ندای حقانیت خود را فریاد کردند.

حوزه مجازی مهندس طلبه: www.onlinehawzah.com

شبکه های اجتماعی: [@onlinehawzah_com](https://www.instagram.com/onlinehawzah_com)

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم